

The Verses of the executive guarantee in the sura al-Maedah

(Received: 2021-03-17 Accepted: 2021-07-04)

Samad Abdollahi Abed¹ , Fahimeh Mami Pourmatanagh² , Seyed Majid Nabavi³

Abstract:

The issue of the coherence between the Quranic verses is one of the valuable subjects of the Quranic sciences. The coherence and the relevance in the Quranic words are manifest in each verse and the verses of all the suras. Without a genuine cognition of the verses, the understanding of the Quran, as it deserves, will not be realized. Therefore, with respect to Allah's knowledge and wisdom, the text of the Quran enjoys convergence of the theme and the content directed towards the objectives of guidance and education. The elements of the content of the Quran, like the parts of a construction, are coherent and govern each other. As a result, the variety of the themes at issue within each verse should not make us suppose that the Glorious Quran consists of a set of irrelevant and incoherent subjects gathered together accidentally. On the contrary, it should be known that when the subjects are various to such an extent, there is certainly a relation there; and the relevance has caused this situation to appear. This writing intends to trace these relationships so that it may help us understand and interpret the verses of the Quran through the achievements of knowledge. We have dealt, in this writing, with the coherence between the statements and with the relationship between the first part and the last part of the verses and have surveyed the verses in which the coherence between the statements and the first and the last parts is the executive guarantee of the decree.

Key words: Quranic verses, coherence, relevance, first and last parts of verses, executive guarantee.

سال پنجم

شماره اول

پیاپی: ۸

بهار و تابستان

۱۴۰۰

1) Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz Izan Email: s1.Abdollahi@yahoo.com

2) M.A. in Quran and Hadith Sciences, Shahid Madani University of Azerbaijan, Tabriz, Iran Email: fmamypoor@yahoo.com

3) Ph.D. Student of Quran and Hadith of Arak, Iran(The Corresponding Author) Email: majidnabavi1366@gmail.com





DOR: 20.1001.1.26455714.1400.5.1.8.8

تناسب درونی در آیات سوره مائد با تأکید بر ضمانت اجرایی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳)

صمد عبداللہی عابد^۱، فہیمہ ممی پورمفتق^۲، سیدمجید نبوی^۳

چکیده

تناسب آیات با یکدیگر، از مباحث ارزشمند علوم قرآن است. این تناسب و ارتباط در واژگان قرآنی، در درون یک آیه یا آیات هر سوره نمایان است. بدون شناخت صحیحی از آیه، برداشت از قرآن، آن گونه که شایسته است، تحقق نخواهد یافت. بنابراین، با توجه به علم، حکمت و هدف داری خدا، متن قرآن، دارای همگرایی موضوعی و محتوایی در جهت هدف هدایتی و تربیتی است و عناصر محتوایی قرآن، همانند اجزای یک ساختمان، به هم پیوسته و ناظر به یکدیگرند؛ بنابراین، گوناگونی مباحث یک آیه، هرگز به معنی گسستگی مطالب نیست؛ بلکه باید دانست که هرگاه مطالب، این گونه گوناگون هستند، حتماً پای ارتباطی در میان بوده و مناسبتی باعث شده که چنین حالتی پدید آید. این تناسب، میتواند بگونه‌های باشد که ذیل آیه، بیانگر علت حکم، و یا فایده حکم و یا ضمانت اجرایی و یا تبیین اجمال پیشین و یا پاسخ به سؤال در تقدیر باشد. این نگارش، در پی یافتن این رابطہها است؛ تا با استفاده از دستاوردهای علمی، به فهم و تفسیر آیات قرآن کمک کند. در این نوشتار، به تناسب میان جملات و ارتباط صدر و ذیل آیه پرداخته، و آیتی را که تناسب میان جملات و صدر و ذیل آنها ضمانت اجرایی حکم است، بررسی شده است؛ و برای این منظور، سوره ی مائده انتخاب شده است. جمع آوری مطالب در این نگارش، کتابخانه ای بوده و روش پردازش به آن‌ها توصیفی تحلیلی می باشد.

کلیدواژه‌ها: تناسب آیات؛ ارتباط صدر و ذیل؛ ضمانت اجرایی حکم؛ سوره مائده

(۱) دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز ایران ایمیل: s1.Abdollahi@yahoo.com
(۲) کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز ایران ایمیل: fmamypoor@yahoo.com
(۳) دانشجوی دکتری قرآن و حدیث اراک، ایران (نویسنده مسئول) ایمیل: majidnabavi1366@gmail.com



سال پنجم
شماره اول
پیاپی: ۸
بهار و تابستان
۱۴۰۰

۱. بیان مسأله

بررسی تناسب صدر و ذیل آیات، می‌تواند راه عملی اثبات حکیم بودن و حقانیت قرآن باشد و در برابر آنان که به دلیل عدم فهم ارتباط در آیات، احتمال پراکنده گویی می‌دهند، و به گونه‌ای طعن به قرآن می‌زنند، (ر.ک: بلاشر، ۱۳۷۲: ۵۲ و ۸۵-۸۴؛ نولدکه، ماده قرآن در Ency, Brit. Edihion, ۱۱؛ علی الصغیر، ۱۴۲۰: ۲۴-۲۵؛ خرماشاهی، ۱۳۷۴: ۴۵، ۴۶ و ۴۸ و ۵۱ و ۵۲؛ سلماسی‌زاده، ۱۳۶۹: ۱۸ و ۲۴ و ۴۴؛ بل-وات، ۱۳۸۲: ۱۱۵ تا ۱۱۹؛ آربری، ۱۳۸۳: ۳۴ و ۵۰ و ۵۱؛ گل‌دزی‌بهر، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۹؛ گوستاولوبون، ۱۳۴۷: ۱۱۷ و ۱۲۷) پاسخی شفاف به شمار آید؛ که نه تنها هیچ‌گونه آشفتگی و درهم‌ریختگی موضوعات و مطالب، در سطح سوره‌ها موجود نیست؛ بلکه نظم‌ی شگرف، سرتاسر جملات آیات را، در هر کدام از سوره‌ها فرا پوشانده است.

اکنون با توجه به اهمیت تدبیر، و نیز تشکیک‌های مستشرقان مبنی بر ناهماهنگی بیانات قرآنی، موضوع ارتباط آیات قرآنی، بیش از پیش، مورد توجه محققان و مفسران علوم قرآنی قرار گرفته است؛ از آنجا که، در فهم آیات، قرآن به وسیله خودش قابل تفسیر است، و آیات آن، یکدیگر را تفسیر می‌کنند، بعضی گواه بر بعضی دیگر است و قسمت‌های گوناگون قرآن، یکدیگر را تصدیق می‌کنند و هماهنگ هستند؛ بنابراین، حکم و جمله‌ای که در ذیل آیه‌ای آمده، قطعاً با صدر و محتوای آیه ارتباط دارد؛ مگر اینکه دلیل محکمی برخلاف آن باشد که از آن جمله است روایاتی که اطمینان از صدورش حاصل شود و برخلاف سیاق و ارتباط ظاهری باشد.

در این نوشتار بنا شده، ضمانت اجرایی حکم در سوره‌ی مائده مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد؛ و به بیان معنای تناسب، انواع مناسبت، فایده مناسبت، معنای ضمانت اجرایی حکم، و آیات دارای ضمانت اجرایی حکم در این سوره پرداخته شده است تا زمینه لازم برای آشنایی بیشتر حقیقت جویان، با آیات الهی را فراهم کرده باشد.

۲. پیشینه بحث

تناسب آیات و سوره‌ها از موضوعاتی است که از صدر اسلام مورد توجه مسلمانان بوده و مفسران، در میان تفسیر آیات به آن می‌پرداختند؛ برخی در لابه‌لای بحث تفسیری به این موضوع می‌پرداختند و برخی مثل طبرسی در مجمع‌البیان، قسمتی را در تفسیر هر دسته از آیات به تناسب آیات آن قسمت با آیات قبل و یا بعد و حتی سوره‌های قبل و بعد پرداختند. علاوه بر کتب تفسیری، کتاب‌های مستقلی نیز در این راستا نگارش یافته که از آن جمله است:

۱- کتاب "نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور" نوشته برهان‌الدین بقاعی.

۲- کتاب "تناسق الدرر فی تناسب السور" نوشته جلال‌الدین سیوطی.

۳- برخی نیز در کتاب‌های علوم قرآنی به این موضوع پرداختند که از آن جمله است کتاب "الاتقان فی علوم القرآن" جلال‌الدین سیوطی.

۴- در میان متاخران نیز مرحوم آیت‌الله معرفت در ادامه مباحث کتاب "التمهید" به مباحث تناسب آیات پرداخته که آقای عزت‌الله مولائی در کتاب مستقلی به فارسی ترجمه و چاپ کرده است.

۵- آقای محمد خامه‌گر نیز کتاب "تفسیر ساختاری قرآن کریم"،

۶- و آقای سید سلمان صفوی کتاب‌هایی با نام تفسیر ساختاری سوره‌های قرآن منتشر کرده‌اند.

۷- مقالاتی نیز در این موضوع نوشته شده که از آن جمله است مقاله آقای علی قانعی تحت عنوان "تناسب آیات" که مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان می‌باشد و در شماره ۱۲۲ و بهمن ۱۳۸۶ توسط مجله معرفت چاپ شده است.

۸- مقاله‌ای نیز در دوفصلنامه قرآن در آینه پژوهش (تفسیر پژوهی)، شماره ۲، سال اول، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ تحت عنوان "ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل‌عمران" چاپ شده که مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانم سمیه میرزایی با راهنمایی آقای کریم علیمحمدی می‌باشد.

۹- همچنین مقاله "کارایی نظریه هالیدی در ترسیم انسجام متنی سوره‌های قرآن"،

۱۰- و مقاله "نقد و بررسی نظریه بسط متن در تحلیل انسجام متنی سوره‌های قرآن بر اساس دیدگاه حسین عبدالرئوف" از آقای خامه‌گر نیز با موضوع این مقاله کمی ارتباط دارد.

۱۱- علاوه بر این، برخی مستشرقان، اشکال‌هایی برای تناسب آیات مطرح نموده‌اند که نویسندگانی در مقام پاسخ به آنها، در میان کتاب‌ها و مقالاتی پاسخ داده‌اند که از آن جمله‌اند: کتاب "المستشرقون والدراسات القرآنیة" نوشته دکتر محمدحسین علی‌الصغیر که جداگانه با ترجمه آقای محمدجواد شریعت به فارسی ترجمه و با نام "خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی" توسط انتشارات مطلع الفجر در سال ۱۳۷۲ شمسی در تهران چاپ شده است.

۱۲- کتاب دیگری با نام "شبهات و ردود" توسط مرحوم آیت‌الله محمدهادی معرفت نگارش یافته که موسسه التمهید قم در سال ۱۴۲۳ قمری آن را چاپ نموده است.

۱۳- مقالاتی نیز در این راستا نگارش یافته که از آن جمله است مقاله "نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن" که آقایان دکتر محمدحسن زمانی و علی قانعی اردکانی در شماره ۱۲ دوفصلنامه «قرآن پژوهی خاورشناسان» در بهار و تابستان ۱۳۹۱ چاپ نموده‌اند.

تازگی مقاله حاضر در این است که به طور اخص به تناسب صدر و ذیل آیات از حیث

ضمانت اجرایی پرداخته و در این جهت، سوره مائده را به عنوان نمونه برگزیده است. در ادامه، بحث کوتاهی درباره تناسب ارائه می‌گردد و سپس به بحث اصلی پرداخته می‌شود.

۳. تناسب

برای روشن شدن بحث، لازم است معنای تناسب و انواع و فایده آن بررسی شود.

۱.۳. معنای تناسب

در لسان العرب درباره‌ی معنای لغوی تناسب چنین آمده است: «وقتی گفته می‌شود: «لیس بینهما مُنَاسَبَةٌ أی مُشَاكَلَةٌ» یعنی بین آنها هیچ‌گونه تشابه و مشاکله‌ای نیست. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ذیل ماده نَسَبَ) در معجم المقایس آمده: «تناسب از ریشه سه حرفی «ن س ب» مشتق شده است. «تناسب» یعنی قیاس و ارتباط یک چیز با چیز دیگر.» (ابن فارس، ۱۴۲۹: ماده نَسَبَ)؛ طریحی نیز آن را به معنای نزدیک هم بودن دانسته است (ر.ک: طریحی، ۱۳۷۵: ماده نَسَبَ)، و مصطفوی نیز آن را به معنی ارتباط بین دو چیز معرفی کرده است. (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل ماده نَسَبَ)

با توجه به مطالب یاد شده، تناسب از نظر لغوی می‌تواند سه معنی داشته باشد: (۱) هم شکل بودن (۲) قرابت و نسبت فامیلی (۳) اتصال و ارتباط.

تناسب در اصطلاح، عبارت است از ارتباط و پیوند میان دو چیز، به هر گونه‌ای. تناسب در کتاب خدا، ارتباط سوره با پیش و پیش، و در آیات، وجه ارتباط در هر آیه با پیش و پس آن را می‌گویند. (ر.ک: مسلم، ۱۳۹۰: ۶۳)

دانش تناسب معنایی، میان بخش‌های سخن، ارتباطی پیوسته می‌دهد و بدین سان، پیوندی استوار می‌بخشد. وضع چنین تألیف و نوشتاری به سان بنایی استوار با بخش‌های هماهنگ و همساز است، (ر.ک: بقاعی، ۱۴۱۵: ۶۷۱) و در آیات مانند آنها به معنی ربط دهنده بین آنها برمی‌گردد؛ عام باشد یا خاص، عقلی یا حسی یا خیالی یا انواع دیگر علاقه‌ها و یا تلازم ذهنی؛ مانند سبب و مُسَبَّب و علت و معلول و دو نظیر و دو ضد و امثال آنها. (ر.ک: سیوطی، ۱۳۶۳: ۲، ۳۴۳)

از جمله‌ی تناسب‌ها در داخل آیات، تناسب صدر و ذیل آیات می‌باشد. «رابطه صدر و ذیل آیات از اول تا آخر، از ضروریات عقلیه است؛ و گرنه کلام و سخن از سخن و کلامی که دارای هدف واحد و جامع باشد، خارج گشته، بلکه لازم می‌آید که حکیم مطلق در بین امور بی‌ربط و بدون مناسبت جمع نموده باشد و این از حکیم مطلق محال است» (معرفت، ۱۳۷۳: ۱۷)

۲.۳. انواع مناسبات

علم مناسبات در ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است؛ و پیوستگی و ارتباط در شکل‌های مختلفی مورد ادعا واقع شده است که انواع این مناسبت‌ها به شرح زیر می‌باشد:

- ۱) مناسبت جمله‌ای با جمله‌ای دیگر در یک آیه
- ۲) مناسبت یک آیه با آیه‌ی قبلی و آیه‌ی بعدی
- ۳) مناسبت و پیوستگی تمام آیات در یک سوره
- ۴) مناسبت تعیین هر سوره در جایگاه خودش
- ۵) مناسبت آغاز سوره با محتوا و پیام کل سوره
- ۶) مناسبت آغاز سوره با پایان همان سوره
- ۷) مناسبت آغاز سوره با سوره‌ی پیشین و یا پیوستگی میان پایان سوره با سوره‌ی بعدی
- ۸) مناسبت مضمون سوره با سوره‌ی قبلی
- ۹) مناسبت شروع قرآن با ختم قرآن
- ۱۰) پیوستگی میان سوره‌های طولانی قرآن (طوال) با نظم‌ی خاص و نیز پیوستگی میان سوره‌های صدگانه و حدود صد آیه (مئین) و سوره‌های کوتاه (مثنی) و سوره‌های کوچک با آیه‌های کوچک (مفصلات)

۱۱) پیوستگی میان مجموعه آیات و سور قرآن. (ر.ک: ایازی، ۱۳۸۰: ۴۳-۳۷)

این نوشتار، به مناسبت جمله‌ای با جمله‌ای دیگر در یک آیه می‌پردازد؛ یعنی ارتباط جمله و فراز در یک آیه با جمله و فرازهای قبلی خود، در همان آیه، و همچنین ارتباط ذیل آیه با محتوا و صدر آیه؛ تا ارتباط میان دو جمله در قرآن، ثابت گردد؛ یعنی جمله و فراز دوم می‌تواند، تعلیل حکم برای آن، و یا ضمانت اجرایی، و فایده حکم و... باشد؛ که در این مقاله، آیات دارای ضمانت اجرایی حکم در سوره‌ی مائده بررسی می‌شود.

۳.۳. فایده تناسب

بحث تناسب آیات عبارت است از اجزاء کلام را دست به گردن یکدیگر قرار دادن، تا ارتباط میان آنها قوی شود و با این دانش، ایمان در دل، استوار می‌گردد، و خرد توانمندتر؛ و بدین سان، این نکته روشن می‌شود که اعجاز دو شیوه دارد: نخست نظم هر جمله، با توجه به ساخت و ترکیب (متن)، و دیگری نظم جمله با جمله‌ای دیگر؛ با توجه به ترتیب میان جملات در می‌یابیم که قرآن، سخنی از سوی خدا است؛ نه از سوی آدمیزاد. (ر.ک: بقاعی، ۱۴۱۵: ۱۱/۱)

۴. معنای ضمانت اجرا

«ضمانت اجرا، در امور حقوقی و کیفری، قدرت به کار بستن قانون یا حکم دادگاه است که برای جلوگیری از تجاوز و وادار کردن مجرم به اجرای قانون، احکام و قوانین را، با نیرویی تضمین می‌کنند؛ و به عبارتی دیگر، حمایت مراجع رسمی است در اعمال قانون یا عرف و عادت و اخلاق حسنه که ممکن است به صورت کلی و یا جزئی باشد.» (لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳، ۲۴۲۱) اما ضمانت اجرایی در مباحث علوم قرآنی این است که بعضی از آیات به منظور تضمین محتوای درونی آیه، و تهدید و هشدار و توبیخ و عامل بازدارنده از عذاب و عاملی برای تشویق به بهشت و مانند آن می‌باشد؛ که در سوره مائده، ۳۷ مورد ضمانت اجرایی حکم به دست آورده‌ایم، که به ۱۹ مورد از این آیات اشاره می‌شود.

۴. ۱. آیات دارای ضمانت اجرایی حکم در سوره مائده

در ذیل به آن دسته از آیات سوره مائده، که ارتباط میان صدر و ذیل آن‌ها ضمانت اجرایی حکم می‌باشد؛ و به نوعی هشدار، توبیخ، و وعید و مجازات گناهکار به عذاب و کیفر و یا تشویق به بهشت و ... است، اشاره می‌شود:

۴. ۱. ۱. آیه اول (مائده/۲)

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نَقَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حرمت شعائر خدا، و ماه حرام، و قربانی بی‌نشان، و قربانی‌های گردن‌بنددار، و راهیان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می‌طلبند، نگه دارید، و چون از احرام بیرون آمدید [می‌توانید] شکار کنید، و البته نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، شما را به تعدی وادارد، و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت‌گیر است».

در این آیه، برخی از مصادیق شعائر الهی که باید از آنها حریم گرفت مانند: قربانی، نشان کردن قربانی، ماه‌های حرام و عازمان خانه خدا را برمی‌شمارد؛ و پس از اشاره به برخی از محرّمات و نهی از انتقام و کینه‌جویی، به لزوم تعاون بر، برّ و تقوا و پرهیز از اثم و عدوان دعوت می‌کند؛ این آیه از مصادیق وفای به عهد است؛ چون عهدی الهی است که انسان با بیعت خود آن را پذیرفته است. در نتیجه، وفای به آن واجب است.

«خداوند در پایان آیه به تقوا سفارش نموده و تشویق به رعایت تقوا می‌کند، تأکیدی بر ملازمت حق و پرهیز از تعدی و تجاوز از مسیر عدل است؛ اساساً ملکه‌ی تقوا پشتوانه‌ی عملی اوامر و نواهی الهی است؛ از این رو، در بیشتر کارهای مهمی که تذکر و تأکید

می خواهد، به آن یادآوری شده است و سرّ تنبّه دادن به شدید العقاب بودن خدا در کنار توصیه به تقوا نیز اهتمام و تأکید بر مطلب است؛ چنانکه تکرار کلمه‌ی جلاله با آنکه استفاده از ضمیر مختصرتر و صناعتی تر بود، برای همین است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵۵۰/۲۱)

همچنین یادآوری شدید العقاب بودن خدا، در مقام تهدید و وعید است (ر.ک: فخررازی، ۱۴۱۱: ۱۱، ۱۰۴؛ ابن عاشور، بی تا: ۵، ۲۰) تا انگیزه‌ای برای دوری از منهیات خدا باشد. ابوحنیان، ذکر شدید العقاب برای خدا را در مقام تعلیل برای «اتقوا الله» دانسته است. (ر.ک: ابوحنیان، ۱۴۱۳: ۳، ۴۳۷) «همکاری در گناه و تجاوز، گناهی بزرگ و موجب کیفر و مجازاتی سخت است؛ پس توجه به کیفر سخت الهی، زمینه‌ساز تقوا پیشگی و پرهیز از همکاری در گناه است» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۴: ۲۲۹/۴) و «چنانچه مسلمانان، تقوا را شعار خود قرار ندهند، اجتماعات آنان گسیخته و تشّت عقیده در آنها راه می‌یابد و برحسب نظام خلل ناپذیر، گروهی ستمگر به هم پیوسته بر آنان فرمانروایی خواهند نمود؛ برنامه و مسیر زندگی آنان را تغییر داده، آنگاه از آسایش و سعادت بهره‌ای نخواهند داشت.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۳۰/۴)

بنابراین، شدید العقاب بودن خدا، ضمانت اجرایی است برای کسانی که قداست شعائر الهی را می‌شکنند و به بدی‌ها کمک می‌کنند که باید خود را برای عقاب شدید الهی آماده کنند همین معنا را نیز برخی مفسران ذکر کرده‌اند. (ر.ک: قرائتی، ۱۳۷۵: ۱۴/۳)

۴. ۱. ۲. آیه دوم (مائده/۴)

خداوند می‌فرماید: ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾؛ «از تو می‌پرسند: چه چیزی برای آنان حلال شده است؟ بگو: «چیزهای پاکیزه برای شما حلال گردیده و [نیز صید] حیوانات شکارگر که شما به عنوان مربیان سگ‌های شکاری، از آنچه خدایتان آموخته، به آنها تعلیم داده‌اید [برای شما حلال شده است]. پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته‌اند بخورید، و نام خدا را بر آن ببرید، و پروای خدا بدارید که خدا زود شمار است.»

پس از بیان محرمات در آیه پیشین، برخی مسلمانان از رسول اکرم (ص) پرسیدند چه چیزی برای آنها حلال است؟ آیه پاسخی کلی و همه‌جانبه به آن داده، که قاعده‌ی کلی تمییز میان حلال و حرام را بیان می‌کند و آن اینکه: چیزی که مورد تصرف قرار می‌گیرد، چیز طیب و پاکی باشد؛ و در کنار اصل کلی حلیت طیبات که مطلبی عقلایی است، حلال بودن صید حیوانات تربیت شده را آورده که امری تبعدی است؛ فرموده سگ‌های شکاری وقتی تعلیم یافته باشند و برای شما حیوان حلال گوشتی را شکار کنند و شما هم نام خدا را بر آن ببرید، اگر پیش از آنکه شما به آن برسید کشته شود، از آن بخورید؛ همین ذبح شرعی

آن حیوان است؛ ولی اگر پیش از کشته شدن آن رسیدید، تذکیره‌ی آن به ذبح و نام خدا بردن است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۳/۵-۲۰۲)

«شکار حیوانات می‌تواند به عناوین مختلفی صورت پذیرد؛ گاهی برای تفریح و تفرج و لهو و لعب و اذیت حیوانات و هنگامی برای تجارت و غرض عقلایی خاص است؛ از این‌رو، خدای سبحان از هر نوع شکار لهوی یا بی‌رحمانه نهی می‌کند» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۴۰/۲۲) و در ذیل آیه می‌فرماید: ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ «این جمله می‌رساند که پرهیز از خدا در صید لازم است تا اسراف در کشتن نشود و چون شکار لهو و لعب، روی هوس و جنون، آزار رسانی نباشد و خداوند زود حسابرس بوده، کیفر ستم و تعدی را پیش از آخرت در همین دنیا می‌دهد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۰۳/۵) پس شکار کردن به انگیزه‌هایی دیگر همانند تفریح و تفرج خلاف تقواست. آیه در مقام هشدار و تهدید خدا نسبت به کسانی است که تقوا را رعایت نکنند؛ و توجه به حسابرسی سریع خدا، زمینه‌ی حصول تقوا در انسان است. (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۴: ۲۴۶/۴)

ابوحنان ذکر «سریع الحساب» برای خدا را در مقام تعلیل امر به تقوا دانسته است (ر.ک: ابوحنان، ۱۴۱۳: ۳، ۴۴۶) که اعم از ضمانت اجرایی است.

۴. ۱. ۳. آیه سوم (مائده/۷)

خداوند می‌فرماید: ﴿وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَّكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ «و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی را که شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده، به یاد آورید، آن‌گاه که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم» و از خدا پروا دارید که خدا به راز دل‌ها آگاه است».

بر اساس این آیه، یادآوری نعمت‌های ظاهری و باطنی همانند تعلیم کتاب و حکمت و احکام الهی و شکرگزاری آن‌ها، مایه فزونی نعمت است و مؤمن باید همواره متذکر پیمانی باشد که هنگام ایمان آوردن به خدا سپرده است و هرگز پیمان شکنی نکند؛ پیمان خدا با مؤمنان در میثاق میان آنان با پیامبر (ص) منعقد می‌شود؛ از این‌رو، میثاق و بیعت امت با پیامبر (ص) به مثابه‌ی میثاق با خداست و چون خدا به درون دل همانند برون آن آگاه است، باید تقوای الهی را پیشه کرد. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱۱/۲۲)

بنابراین، امر به تقوا در ذیل آیه، پس از فرمان به یادآوری پیمان‌های الهی، می‌تواند اشاره به این باشد که داشتن تقوا و ترس از خدا، ضامن اجرای آن تعهدات است. خدا به مسلمانان در مورد شکستن پیمان الهی، سرپیچی از فرامین خدا و رسول و فراموشی نعمت‌ها هشدار می‌دهد. (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۴: ۲۶۷/۴)

ابن عاشور ﴿إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾ را برای تحذیر دانسته که این جمله در مقام بیان علت برای جمله قبل است (ر.ک: ابن عاشور، بی‌تا: ۵، ۵۵) که اعم از ضمانت اجرایی است.

۴. آیه چهارم (مائده/۸)

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

قرآن در این آیه، به همگان دستور رعایت قسط و عدل می‌دهد که خواسته‌ی فطری همه‌ی انسان‌هاست و تحقق آن را در گرو قوام بودن آن و تعدیل غرایز درونی مانند حب و بغض می‌داند؛ زیرا دوستی بی‌اندازه و دشمنی افراطی مانع رسیدن به قسط و عدل است؛ تحصیل عدالت در حب و بغض درباره‌ی دوستان و دشمنان تنها چیزی است که به تقوا نزدیک، و غیر عدل از تقوا دور است؛ لذا می‌فرماید، که خدا به تمام کارهای انسان آگاه است؛ یعنی بدانید که تمام کارها در محضر خداست و او از اعمال و جوانح شما باخبر است و همه چیز را می‌داند. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۲۳/۲۲-۱۱۷)

بنابراین، آیه مذکور تصریح دارد به اینکه رعایت عدل با هدف جلب رضایت خدا، خواسته فطری همه انسان‌هاست و مؤمنان همیشه مجریان عدالت هستند؛ حتی کینه و دشمنی دشمنانشان، مانع اجرای عدالت آنها نمی‌شود؛ بنابراین، نتیجه‌ی اعتقاد به آگاهی خدا از اعمال انسان، در حکم ضامن اجرایی قیام به خدا، شهادت به قسط، اجرای عدالت و تحصیل تقواست. (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۴: ۲۷۱/۴)

۴. ۱. ۵. آیه پنجم (مائده/۱۱)

قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أُنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن‌گاه که قومی آهنگ آن داشتند که بر شما دست یازند، و [خدا] دستشان را از شما کوتاه داشت. و از خدا پروا دارید، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند».

«نعمت تبدیل ضعف مسلمانان به قدرت و موفقیت اسلام و پیروان آن در برابر دشمنان، عنوان جامعی است که موارد دیگری از این قبیل نعمت‌ها را زیر پوشش دارد؛ منافقان و مشرکان قصد براندازی اسلام را در سر می‌پروراندند و خدا مانع قدرت و توطئه آنان شد و مسلمانان را از سر نفاق داخلی و شرک خارجی نجات داد. شکر این نعمت و بهره‌مندی از آن به حفظ تقوا و توکل بر خداست.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۳۰/۲۲)

خدا در ذیل آیه به تقوا و توکل بر خدا امر نموده و منظور حقیقی، نهی شدید از ترک تقوا

و توکل بر خداست؛ یهود و نصارا که به آن بلاها مبتلا شدند، در اثر این بود که پیمان الهی را فراموش کردند و آن پیمان، چیزی جز تسلیم کامل بودن برای خدا نبود؛ که آن را با جمله «سمعنا و اطعنا» محکم کرده بودند و لازمه‌اش این بود که مخالفت پروردگار را پرهیز نموده، در امور دینی خود بر او توکل کنند. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۳۸/۵)

«اگر وحشت در دل‌های مسلمانان جای گیرد، تقوا و توکل، دو عامل هستند که آن را زایل می‌سازد و به دل دشمنانش می‌افکند؛ بر این اساس، دو عامل تقوا و توکل، نعمت خدا، و در حکم ضمانت اجرایی برای رسیدن به پیروزی مسلمانان است.» (مدرسی، ۱۳۷۷: ۲۸۲/۲-۲۸۱)

۴. ۱. ۶. آیه ششم (مائده/۲۱)

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾ «ای قوم من، به سرزمین مقدسی که خدا برای شما مقرر داشته است درآید، و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد.»

پس از آنکه بنی اسرائیل از دریای نیل عبور نمودند، برای این که حاضر شوند و دستور پروردگار را در مسیر خود اجرا کنند، موسی (ع) بسیاری از نعمت‌های پروردگار را برای زمینه‌چینی و جلب نظر به آنان یادآوری نموده، آن‌گاه امر پروردگار را به آنان فرمود که به سوی شهر روانه شوند و از جنگ با ساکنان آن سرزمین روی نگردانند؛ پروردگار بر آنان منت نهاده که چنانچه ایمان آورده و اطاعت کنند، در آن سرزمین زندگی نمایند.

بنابراین، از جمله‌ی ﴿وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ﴾ استفاده می‌شود که ظاهر حال بنی اسرائیل این بوده که، همیشه از اجرا اوامر و دستورات موسی (ع) خودداری می‌نمودند. از این نظر، آنها را تهدید نموده که چنانچه، از اجرای دستور، و جنگ و ستیز با ساکنان آن سرزمین خودداری کنند، مانند همیشه، متمرد و زیانکار خواهند بود و چون نعمت‌های بسیاری را که پروردگار، ارزانی داشته، برای اینکه ایمان آورند؛ تکذیب نموده و انکار می‌نمایند؛ بنابراین موسی (ع) هشدار داد که بازگشتشان از این راه، سبب خسارت می‌شود (ر.ک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۳۹۸/۴؛ مدرسی، ۱۳۷۷: ۳۰۳/۲).

مراد از عبارت می‌تواند این باشد که با مخالفت با فرمان پروردگارتان و سرپیچی از فرمان پیامبران در کار دین خود به گذشته باز نگردید که آن‌گاه در دنیا و آخرت، گناهکار خواهید بود. (ر.ک: زمخشری، ۱۳۸۹: ۱، ۷۶۷)

بر این اساس، ذیل آیه در حکم ضمانت اجرایی است، یعنی خدای متعال تهدید کرده و به این وسیله تضمین می‌کند که نتیجه پشت کردن به حکم خدا، زیانکار شدن خواهد بود.

۴. ۱. ۷. آیه هفتم (مانده/۳۸)

خداوند می فرماید: ﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾؛ «و مرد و زن دزد را به [سزای] آنچه کرده‌اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببریید، و خداوند توانا و حکیم است»

در آیات پیشین، احکام «محارب» که با تهدید به اسلحه و آشکارا، متعرض جان و مال و نوامیس مردم می‌شود، بیان شد، در این آیه، حکم دزد یعنی کسی که پنهانی و مخفیانه، اموال مردم را می‌برد بیان می‌کند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۷۴/۴)

«اسمای حسنیای پایان هر آیه، ضامن محتوای همان آیه است؛ و آیه‌ای که به خشونت فرمان می‌دهد، در پایانش اسمای قهری خدا، مانند عزیز بودن ذکر می‌شود؛ بر این اساس، در پایان آیه‌ی حکم قطع دست سارق، مسئله عزت یعنی نفوذناپذیری خدا بیان شده است، تا دانسته شود در اجرای حکم سرقت، جای مهر کاذب نیست، و همان‌طور که خدا بر اساس عزت و حکمت، این فرمان را صادر کرده است، مجریان حدود الهی نیز که در احکام قهری، مظهر خدای عزیزند باید حدود الهی را بدون رعایت رحم عاطفی، قاطعانه اجرا کنند.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۴۳۵/۲۲-۴۳۴) آخر آیه بیانگر این است که خدا در انتقام گرفتن، عزیز است و در شرایع و تکالیفش، حکیم است (ر.ک: فخررازی، ۱۴۱۱: ۱۱، ۱۸۱) و با بیان این قدرت انتقام و حکمتش، حکم خود را ضمانت نموده است.

منظور این است که او در کارهایش شکست ناپذیر و مقرراتش از روی حکمت و فرزانگی است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۹: ۶، ۶۸۳) بنابراین، «جمله ﴿وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ پس از بیان حد سرقت، می‌تواند اشاره به این باشد که تنها کسانی که عزت و حکمت دارند، می‌توانند با مجریان و متخلفان برخورد لازم و متناسب داشته باشند و در برخورد با مجرم، قدرت و حکمت، دو شرط لازم است؛ و تشریح حد سرقت، جلوه‌ای از عزت و حکمت خداوند می‌باشد.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۴: ۳۷۴/۴)

۴. ۱. ۸. آیه هشتم (مانده/۴۸)

خداوند می فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمَنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ (و ما این کتاب [قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیشین و حاکم بر آنهاست. پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن، و از هواهایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده، پیروی مکن. برای هر یک از شما [امت‌ها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم، و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد، ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده

است بیازماید. پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید. بازگشت [همه] شما به سوی خداست آن گاه درباره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان خواهد کرد»
 فخررازی و زمخشری و ابوحنیان، ﴿إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾
 را استینافیه و برای تعلیل امر خدا در سبقت به خیرات دانسته‌اند (ر.ک: فخررازی، ۱۴۱۱: ۱۲، ۱۳؛ زمخشری، ۱۳۸۹: ۱، ۷۹۱؛ ابوحنیان، ۱۴۱۳: ۳، ۵۱۴) که می‌تواند ضمانت اجرایی برای فایده سبقت به خیرات، تلقی شود.

«عبارت ﴿إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ﴾ می‌فرماید: بازگشت همه، چه پیشینیان و چه آیندگان، و چه کسی که امر خدا را گرفته، و چه کسی که به عادت آن را اخذ کرده، به سوی خداست و در روز قیامت در هر چه از دین و سنن اختلاف داشتید، آگاه خواهد ساخت» (گنابادی، ۱۴۰۸: ۸۹/۲)؛ زیرا قیامت، منزلگاه نهایی کاروان انسانیت و لقای حق، و پایان راه آن است و همه به یک مرجع برمی‌گردد؛ پس ذیل آیه، تهدید و وعید برای هر دو گروه است (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۰/۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۲۷۸/۱) برای اینکه در کارهای خیر سبقت بگیرند و از بدعت‌ها پیروی نکنند و با کتاب خدا مخالفت نکنند. (ر.ک: سمرقندی، بی‌تا: ۳۹۶/۱)

۴. ۱. ۹. آیه نهم (مائده/۵۶)

قرآن می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾؛ «و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بدانند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروز‌مندانند.»

این آیه، کسانی را که ولایت، سرپرستی و رهبری خدا و پیامبر (ص) و افراد بایمان را بپذیرند، از مصادیق حزب‌الله و پیروز مطلق می‌داند؛ و می‌فرماید: غلبه نهایی، با کسانی است که ولایت خدا، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را بپذیرند.

جمله ﴿فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ در ذیل آیه، از پذیرش ولایت یهود و نصارا و خارج شدن از صف مسلمانان، و رفتن به صف یهود و نصارا برحذر می‌دارد و به شدت تهدید می‌کند (ر.ک: سید قطب، ۱۴۱۲: ۹۲۱/۲)؛ بنابراین، «جامعه‌ی مسلمانان را سخت تهدید می‌کند، که فقط در صورتی اجتماعات اسلامی در جهان، غالب و در شئون زندگی استقلال دارند و اجتماعات آنان متحد، و نیروهایشان در یک هدف خواهند بود که همه به طور اتفاق در محور ولی پروردگار، و وصی و جانشین پیامبر (ص)، برای همیشه دور بزنند؛ بر این اساس، آیه مفاد اثباتی و سلبی دارد، مفاد اثباتی آن است که فقط کسانی از حزب اسلام و پیرو مکتب قرآن خواهند بود که ولایت رسول و وصی او را بپذیرند و از احکام قرآن، پیروی نمایند، و مفاد سلبی، آن است که هشدار می‌دهد، هر کس ولایت پیامبر (ص) و وصی او را نپذیرد و در مقام تمرد برآید، از پیروان مکتب قرآن به شمار نخواهد آمد.» (حسینی

۴. ۱. ۱۰. آیه دهم (مائده/۵۷)

قرآن می‌فرماید: ﴿بِأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند [چه] از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [چه از] کافران، دوستان [خود] مگیرید، و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید».

خدای متعال در این آیه، به مؤمنان دستور می‌دهد، که از انتخاب منافقان و دشمنان به عنوان دوست پرهیزید؛ زیرا آنان، آیین زندگی و دین شما را تحقیر کرده و آن را به تمسخر و بازی می‌گیرند؛ و از آنجا که مؤمن، هرگز راضی نمی‌شود، اغیار، دین او را مورد استهزاء قرار دهد، معاشرت با اینان با ایمان و تقوا سازگار نیست.

جمله ﴿وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ در ذیل آیه، تأکیدی بر نهی سابق است و در عین حال، تهدید است که موالات با اهل کتاب، نقض ایمان است (ر.ک: قرشی، ۱۳۷۷: ۹۹/۳)؛ بنابراین، آیه مسلمانان را از سوء عاقبت تهدید نموده است؛ زیرا معاشرت و همنشینی با بیگانگان، سبب تزلزل ایمان و عقیده می‌شود، و در انجام وظایف دینی سستی می‌نمایند، و در اثر ادامه رفاقت و دوستی، به نفاق و سوء عاقبت دچار خواهند گردید، و طرح دوستی با آنان، با ایمان و تقوا سازگار نیست؛ پس باید از معاشرت و همنشینی با آنان خودداری نمایند. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۳۶/۴؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۶۲/۵)

۴. ۱. ۱۱. آیه یازدهم (مائده/۷۱)

خداوند می‌فرماید: ﴿وَ حَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمَّوْا وَ صَمَّوْا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمَّوْا وَ صَمَّوْا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ «و پنداشتند کفیری در کار نیست. پس کور و کر شدند. سپس خدا توبه آنان را پذیرفت. باز بسیاری از ایشان کور و کر شدند، و خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست».

«در این آیه خداوند، ریشه اعتقادی خوی استکباری یهودیان را بررسی و نقد می‌کند. آنان خود را برتر از دیگران می‌پنداشتند، بدین سبب گمان می‌کردند عقوبت و کفیری از جانب خدا دامنگیرشان نمی‌شود و در ارتکاب هر جنایتی آزادند، و خدا آنها را کیفر نمی‌دهد؛ در حالی که قرآن آنان را همانند دیگر تبهکاران، سزاوار کیفر و عذاب می‌داند. کیفر تلخ جنایاتشان (تکذیب گروهی از پیامبران (ع) و کشتن عده‌ای دیگر از آنان) کوری و کری باطنی بود؛ سپس لطف الهی شامل حالشان شد و توبه کردند؛ اما بسیاری از آن تائبان، پس از بیداری ابتدایی، دوباره دچار سقوط و به عذاب کوری و کری باطنی گرفتار شدند؛ اما چون

خداوند حقیقتی نامتناهی است، و هر وصفی را در حدّ خاص خود حاکم می‌کند، تهدید می‌کند که محبت و غضب خدا مانع بینایی او نیست؛ تا شاید از اعمال ناروا پرهیز کنند» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳/۳۳۹-۳۳۲).

جمله‌ی ﴿وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ﴾ در مقام تهدید است، (ر.ک: فخررازی، ۱۴۱۱: ۱۲، ۵۰؛ ابوحنیفان، ۱۴۱۳: ۳، ۵۴۳) و انذار و یادآوری این است که چیزی بر او مخفی نیست و عیدی است بر آنچه انجام داده‌اند بعد از اینکه خدا توبه‌شان را پذیرفت؛ (ر.ک: ابن عاشور، بی تا: ۵، ۱۶۹) تا شاید به خود آیند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۹: ۶، ۸۰۲) و دوباره گرفتار چنین خطایی نشوند.

«این فراز از آیه، ذیل آیات محبت و عداوت و آیات رحمت و عذاب و آیات بهشتیان و جهنمیان آمده است، تا بفهماند که خدا را نمی‌توان به خود قیاس کرد؛ وقتی کسی در حق دیگری خوبی و احسانی می‌کند، عمل او معمولاً در برابر چشم آن شخص، پرده‌ای می‌شود که بدی‌های او را نیند و دوستش بدارد؛ اما خدا این چنین نیست؛ بینایی است که هیچ چیزی او را از دیدن حقیقت باز نمی‌دارد» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶/۶۹)؛ به عبارت دیگر، از اهداف بیان آگاهی خدا به اعمال تبه‌کاران، تهدید آنان به عذاب و مانند آن می‌باشد، و اینکه آنان را متوجه نظارت دائمی خدا کند؛ تا شاید از اعمال ناروا پرهیز کنند. (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۴: ۴/۵۰۸؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۱/۳۴۴؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۳/۲۹۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۳/۱۴۵)

۴. ۱. ۱۲. آیه دوازدهم (مائده/۷۳)

خداوند می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَلَاثُ ثَلَاثَةٍ وَ مَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَ إِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ «کسانی که [به تثلیث قائل شده و] گفتند: «خدا سومین [شخص از] سه [شخص یا سه اقنوم] است، قطعاً کافر شده‌اند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند، به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید».

این آیه درباره مسئله تثلیث مسیحیت و رد آن است به عبارت دیگر خداوند سبحان را، در عرض مخلوقات، مانند حضرت عیسی (ع) گذاشتن و به تثلیث گرویدن، بازگشت به کفر و انکار خداست؛ در حالی که جز خدای یگانه، هیچ معبود دیگری نیست. کسی که عمداً و آگاهانه به تثلیث اعتقاد داشته باشد، و توبه نکند؛ مسّ عذاب و هلاکت ابدی را در پی دارد.

جمله ﴿لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ ردی بر اعتقاد مسیحیان است مبنی بر اینکه آتش، آنها را در بر نخواهد گرفت؛ چرا که به صلیب کشیده شدن عیسی (ع) کفاره خطاهای بنی آدم است. (ر.ک: ابن عاشور، بی تا: ۵، ۱۷۳) به نظر می‌رسد که این جمله در ذیل آیه، می‌تواند در حکم ضمانت اجرایی باشد؛ یعنی، ذیل آیه، هشدار و تهدیدی بر آنان است که

بر کفر خود، ثابت باشند و از آن منقطع نشود، به آنان وعید عذاب الیمی را داده است؛ که تنها مس و بر خوردش، مایه هلاکت ابدی است؛ چه رسد به درک و چشیدن آن، که غیر قابل تحمل می‌باشد.

۴. ۱. ۱۳. آیه سیزدهم (مائده/۸۸)

خداوند می‌فرماید: ﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾؛ «و از آنچه خدا روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید، و از آن خدایی که بدو ایمان دارید پروا دارید».

مفاد این آیه، تاکید مضمون نهی از تحریم طیبات دارد. این آیه، امر به خوردن روزی‌های حلال و طیب می‌کند، برای اینکه هر کس می‌خواهد پیرامون رهبانیت بگردد، برایش عذری باقی نماند؛ پس به این دلیل که خدا، دوست دارد، بندگانش از نعمت‌های او استفاده کنند و شکر آن را به جا آورند، به نهی از تحریم طیبات اکتفا نکرده؛ بلکه صراحتاً به بهره‌برداری از آنان امر فرمود. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۶۳/۲۳-۶۱-۶۲)

جمله ﴿وَأَتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ﴾ با بهترین بیان، مردم را دعوت به تقوا می‌کند؛ یعنی: ای مردم مومن، به وسیله تقصیر در تقوا، ایمانتان را ضایع نکنید که دچار حسرت خواهید شد. بهتر است که از حرام کردن حلال خدا و همه معصیت‌ها خودداری کنید و خدای خود را فراموش نکنید (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۶۶/۳)؛ در واقع ذیل آیه مبنی بر تهدید و وعید است، چنانچه به دین اسلام گرویده و دعوت پیامبر (ص) را پذیرفته‌اید، ناگزیر از بدعت در دین و خودپرستی بر حذر باشید که سیرت آن، عناد به ساحت پروردگار است (ر.ک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۲۱/۵) «یعنی ایمان شما به خدا ایجاب می‌کند که همه‌ی دستورات او را محترم بشمرید، هم در بهره گرفتن از مواهب الهی و هم رعایت اعتدال و تقوا.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۲/۵)

۴. ۱. ۱۴. آیه چهاردهم (مائده/۹۴)

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَبِئْسَ اللَّهُ بِشَىءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَ رِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَن أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (مائده/۹۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه‌های شما باشد خواهد آزمود، تا معلوم دارد چه کسی در نهان از او می‌ترسد. پس هر کس بعد از آن تجاوز کند، برای او عذابی دردناک خواهد بود»

این آیه، حکم تفصیلی حرمت صید در حال احرام را بیان می‌کند، و می‌فرماید: خدای متعال مؤمنان محرم را قطعاً می‌آزماید، و صیدهای فراوانی در دسترس یا تیررس آنان می‌گذارد تا معلوم شود چه کسی در نهان از خدا خوف و به غیب و قیامت ایمان دارد،

پس اگر کسی در این امتحان تعدی کند، و به شکار دست بزند، برای تعدی کننده، عذابی دردناک خواهد بود.

«جمله ﴿فَمَنْ اَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ اَلِيمٌ﴾ مبنی بر تهدید و وعید نیز می باشد؛ هر که از دستور احرام تخلف کند، و حرم امن الهی را به وسیلهی شکار، هتک نماید، سیرت عناد او به صورت عقوبت دردناک در خواهد آمد و گرفتار عذاب سختی خواهد شد.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۴۵/۵)

۴. ۱. ۱۵. آیه پانزدهم (مائده/۹۵)

خداوند می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، در حالی که مُحَرَّم هستید شکار را مکشید، و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفاره ای بدهد، که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند، و به صورت قربانی به کعبه برسد. یا به کفاره [آن] مستمندان را خوراک بدهد، یا معادلش روزه بگیرد، تا سزای زشتکاری خود را بچشد. خداوند از آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است، [ولی] هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می گیرد، و خداوند، توانا و صاحب انتقام است.»

«آیه شریفه به تفصیل، احکام کفاره صید عمدی، را بیان و محرمان را از قتل صید نهی می کند؛ و می فرماید: اگر کسی عمداً شکاری را بکشد، کفاره اش کشتن نظیر آن حیوان از چهارپایان است، و یا اطعام مسکین و یا روزه گرفتن؛ بنابراین، کیفر، باید عادلانه باشد و مرتکب قتل صید، مخیر در انتخاب یکی از آن هاست؛ و چنانچه در نظیر بودن (مماثل) و یا قیمت آن اختلافی شود، باید دو نفر عادل نظر بدهند، و این کفاره، عقوبت و کیفر و تنبیه است، هر چند طهارت و تعالی درجه را برای امثال کننده متعبد نیز در پی دارد. در ادامه آیه، برای مرتکبان صید در گذشته (قبل نزول آیه) می فرماید که نه گناهکار هستند، و نه کفاره ای بر آنان ثابت است؛ چون خداوند گذشته را بخشیده است.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۵۸۱/۲۳-۵۶۷)

ذکر دو صفت «عزیز» و «ذُو انْتِقَامٍ» خدا در ذیل آیه، تذکر به عذاب الهی و برای ترساندن (ر.ک: ابوحیان، ۱۴۱۳: ۴، ۲۵) و مبنی بر تهدید است؛ بنابراین، پروردگار به منظور تدبیر و حفظ حرم از هتک افراد مبتذل، تبهکاران را به عقوبت سخت تهدید و هشدار فرموده، و با اعلام خطر، آنان را به سوی خواسته خودشان که هلاکت و کیفر است، سوق می دهد (ر.ک: حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۵۰/۵) پس خدا با تهدید و هشدار، می فرماید که او قادری است که مغلوب نمی شود و از کسانی که او را نافرمانی کنند، انتقام می گیرد. (ر.ک: طبرسی،

(۱۳۷۲: ۱۸۳/۷)

۴. ۱. ۱۶ و ۱۷. آیات شانزده و هفدهم (مائده ۹۹-۹۸)

خداوند می‌فرماید: ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾؛ «بدانید که خدا سخت کیفر است، و [بدانید] که خدا آمرزنده مهربان است. بر پیامبر [خدا، وظیفه‌ای] جز ابلاغ [رسالت] نیست، و خدا آنچه را آشکار و آنچه را پوشیده می‌دارید می‌داند».

«پس از اینکه خدای سبحان، احکام حرم و احرام را بیان کرد، برای تأکید دستورات گذشته و تشویق به انجام دادن و تهدید و هشدار درباره مخالفت آنها، همگان را آگاه می‌سازد که خداوند، دارای کیفر شدید و در عین حال بسیار آمرزنده و همواره مهربان است؛ سپس دوباره، با تأکید و تهدید بیشتر می‌فرماید که پیامبر (ص) وظیفه‌ای جز رساندن پیام الهی ندارد؛ از این رو، مسئول اعمال مردم نیست؛ محاسبه اعمال هر کس برعهده خود اوست و خداوند کارهای آشکار و پنهان را می‌داند» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۶۱۸/۲۳).

عبارت ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ وعید و تهدید برای مخالفین از اوامر الهی و مستحق عذاب بودن آنان است (ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵: ۳۶/۴) و در جمله‌ی ﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾ نیز نوعی تهدید وجود دارد، اشاره به اینکه آنچه بر پیامبر (ص) واجب بود ابلاغ کند، کرده است، و برایتان اتمام حجت شده است، و بهانه‌ای برای کوتاهی کردن در انجام وظیفه خود ندارید. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۷: ۳۵۵/۱)

جمله‌ی ﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ﴾ که برای تهدید است (ر.ک: ابوحنیان، ۱۴۱۳: ۴، ۱۰۰)، به این معنی است که چیزی از احوال شما که آشکار یا پنهان و کتمان می‌کنید، بر خدا پوشیده نیست و این جمله از لحاظ تهدید و وعید در نهایت درجه قرار دارد. (ر.ک: طوسی، بی تا: ۳۴/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۹۲/۷؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۸۶/۳)

۴. ۱. ۱۸ و ۱۹. آیه ۱۸ و ۱۹ (مائده ۱۰۲-۱۰۱)

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن أَشْيَاءَ إِن تُبَدَ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلِ الْقُرْآنُ تُبَدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را آندوهناک می‌کند مپرسید، و اگر هنگامی که قرآن نازل می‌شود، در باره آنها سؤال کنید، برای شما روشن می‌شود. خدا از آن [پرسش‌های بیجا] گذشت، و خداوند آمرزنده بردبار است. گروهی پیش از شما [نیز] از این [گونه] پرسش‌ها کردند آن‌گاه به سبب آن کافر شدند».

خدای سبحان، سؤال از اشیاى مخصوصی که دانستنش مایه ناخوشایندی و گاه سبب کفر و فسق عملی بر اثر بی‌توجهی و عمل نکردن به جواب است؛ یا عوارض دیگری را به

همراه دارد، نهی کرده است؛ و سؤال کردن از مطالبی را جایز می‌داند، که مورد اعتقاد یا در دستور کار قرار می‌گیرد؛ اما در صورت پرسش بی‌جا نیز، از لغزش‌ها و خطاهای راجع به سؤال می‌گذرد؛ چرا که، نهی از سؤالات کذایی از باب رحمت و عفو و مغفرت بوده است؛ آن‌گاه خدای سبحان این خطر را گوشزد می‌کند که از اقوام گذشته نیز مشابه این سؤال‌ها را پرسیدند؛ سپس در مقام عمل یا اعتقاد به آن‌ها کفر ورزیدند، پس شما هم مراقب باشید به سرنوشت آن‌ها دچار نشوید.

جمله ﴿ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ﴾ تهدید بزرگی از سؤالات بی‌جا است، که اگر سؤالات بی‌جا بکنید، و سپس مخالفت ورزید یا انکار رسالت بکنید و یا تکذیب نمایید؛ بالجمله کافر می‌شوید؛ چرا که سؤالات شما قبل از موعد بوده، و بالاتر از سطح فکر آنها در آن مرحله، از درک حقایق بوده است. (ر.ک: طیب، ۱۳۷۸: ۴/۸۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹: ۲/۷۸؛ مدرسی، ۱۳۷۷: ۲/۴۰۹)

۴. ۱. ۲۰. آیه بیستم (مائده/۱۰۵)

خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان بپردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زیانی نمی‌رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد.»

«اهل ایمان و وظیفه‌دار پاسداری از ایمان خویش هستند؛ چون فرمان مراقبت بر خویشتن پس از خطاب مومنین آمده است. مراد از مراقبت، مراقبت بر ایمان و لوازم آن است و از آنجا که منحرفان برای گمراه ساختن اهل ایمان در کمین هستند؛ مسلمانان در صورت بی‌توجهی به احکام الهی، در خطر گمراهی و گرایش‌های کفرآمیز هستند، و مؤمنان بر بی‌ایمانی کافران و رفتار و کردار ناروای گمراهان و عقاید ناصواب آنها مواخذه نخواهند شد، و بازگشت همه‌ی آدمیان (چه هدایت یافتگان و چه اهل کفر) تنها به سوی خداست و در قیامت، انسان‌ها را به تمامی اعمال دنیوی‌شان آگاه ساخته و دستاوردشان را به آنان نشان خواهد داد.» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۴: ۴/۶۱۹-۶۱۷)

جمله‌ی ﴿إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾، در مقام تذکیر به حشر و تهدید به مجازات است، (ر.ک: ابوحنیان، ۱۴۱۳: ۴، ۴۲) و متضمن وعد و وعید برای هر دو دسته است (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲/۴۷؛ شبیر، ۱۴۰۷: ۲/۲۲۲) یعنی خبر خیری برای پاداش نیکوکاران، و بشارت به عذاب برای کیفر بدکاران است و تنبیه بر آنان که هیچ کس را به گناه غیر، مواخذه نکنند، اگر سببی نباشد (ر.ک: نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۴/۲۸۰) این آیه حداکثر تهدید و منع از کار زشت را متضمن است؛ به عبارت دیگر هدف از ﴿فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ ترغیب مردم به هدایت و پذیرش تعالیم قرآن و تهدید کفرپیشگان و منحرفان به عذاب است، و چون مجرد آگاه‌سازی به اعمال و کردار برای تهدید و ترغیب کافی نیست؛ بنابراین جمله‌ی ﴿فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿﴾ کنایه از پاداش دهی و کیفر رسانی خواهد بود. (ر.ک: کاشانی، ۱۴۲۳: ۲/۳۳۴)

۴. ۱. ۲۱. آیه بیست و یکم (مائده/۱۰۸)

خداوند می‌فرماید: ﴿ذَلِكِ اٰذِنِي اَنْ يٰۤاَتُوْا بِالشَّهَادَةِ عَلٰى وَّجْهِيْهَا اَوْ يَخَافُوْا اَنْ تُرَدَّ اٰيْمَانُ بَعْدَ اٰيْمَانِهِمْ وَ اتَّقُوْا اللّٰهَ وَ اسْمَعُوْا وَ اللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿﴾؛ «این [روش] برای اینکه شهادت را به صورت درست ادا کنند، یا بترسند که بعد از سوگند خوردنش، سوگندهایی [به وارثان میت] برگردانده شود، [به صواب] نزدیک‌تر است. و از خدا پروا دارید، و [این پندها را] بشنوید، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند».

جمله‌ی ﴿وَ اتَّقُوْا اللّٰهَ وَ اسْمَعُوْا وَ اللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ﴿﴾ که تهدید و وعید برای مخالفان حکم و اوامر خداست، (ر.ک: فخررازی، ۱۴۱۱: ۱۲، ۱۰۱) در حکم ضامن اجرایی نیز می‌باشد؛ در واقع رعایت تقوا و ترس از خدا، ضامن ادای شهادت به درستی و راستی است. (ر.ک: نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۴/۲۷۴؛ هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۴: ۴/۶۳۰) «پس آیه مبنی بر تهدید گواهان است؛ به اینکه درباره وصیت، خیانت ننموده و برای کتمان حقیقت و گفتار ناروای خود به نام پروردگار استناد نکنند، و از نظر اهتمام به آن، اوصیاء را بار دیگر تهدید نموده است که این پند را بپذیرند و هرگز تخلف نکنند؛ زیرا مطالبه حق تنها به استناد دلیل آوردن نزد حاکم است، و کسی که دلیلی نداشته باشد، به حکم خرد و آیین اسلام در این صورت برای طرح اصلاح و جلوگیری از خطر اختلاف به سپاس نام کبریائی بر حسب ظاهر دعوی خاتمه می‌یابد؛ ولی گروه خیانت کاران، سخت مورد تهدید قرار گرفته‌اند؛ زیرا هرگز پروردگار، آنان را به مقصد ننگین خود رهبری نمی‌کند، و در قیامت، سیرت اعمال و گفتار مردم آشکار خواهد شد و خیانت کاران مورد عقوبت قرار خواهند گرفت.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۷۶/۵)

نتیجه‌گیری

پیوستگی معنایی، در سوره‌های قرآن، بحثی پر دامنه، جذاب، و سرشار از فواید و بهره‌های قرآن پژوهی است؛ که از دیرباز نگاه مفسران و محققان را به خود معطوف کرده، و در حوزه‌ی علوم قرآنی، دانشی به نام تناسب آیات، پدید آورده است. در قرآن کریم، هر واژه‌ای به تناسب مقام سخن، انتخاب شده، و از به کاربردن، واژه‌هایی که حتی قدری، غیر مأنوس بوده‌اند، پرهیز شده است؛ سراسر قرآن این چنین است، و این جز اعجاز، چیز دیگری نمی‌تواند باشد؛ زیرا در توان کدام سخنور است؛ که از تمام خصوصیات حروف و واژه‌ها و ردیف شدن واژه‌ها و نیز تناسب ویژگی هر واژه، آگاه باشد؛ و در سخن گفتن، تمام ویژگی‌ها را رعایت کند و دچار فراموشی نشود؛ اما در کلام خدا، انسجام و ارتباط خاصی است که با بررسی آیات سوره‌ی مائده، و ارتباط میان جملات و صدر و ذیل آیات، به این نتیجه می‌رسیدیم، که میان جملات درون یک آیه، ارتباطی تنگاتنگ وجود دارد، و گاهی

ارتباط میان جملات و یا صدر و ذیل آیه، تعلیل حکم، ضمانت اجرایی حکم، فایده حکم و... است؛ که در این مقاله به بررسی ۲۱ آیه که دارای ضمانت اجرایی حکم بود، و خدای متعال در آن آیات، هشدار داده و یا توبیخ و سرزنش کرده و از کاری منع می‌کند و یا پاداش را در قبال کاری تضمین می‌کند، پرداخته شده است.



کتابنامه

- آریبری، آرتون جان (۱۳۸۳ش): «خدمت و خیانت مترجمان قرآن»، نقدی بر عملکرد مترجمان اروپایی، ترجمه محمد رسول دریایی، بی جا: اندیشه اسلامی.
- آلوسی، محمودبن عبدالله (۱۴۱۵ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابوحنیان اندلسی، محمدبن یوسف (۱۴۱۳ق): «تفسیر البحر المحیط»، با تحقیق عادل احمد عبدالموجود... بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ایازی، محمدعلی (۱۳۸۰ش): «چهره پیوسته قرآن»، تهران: نشر هستی نما.
- ابن عاشور، محمد طاهر (بی تا): «تفسیر التحریر و التنویر»، بیروت: موسسه التاریخ.
- ابن فارس، احمد (۱۴۲۹ق): «معجم مقاییس اللغه»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بیروت: دار صادر.
- بقاعی، برهان الدین ابی الحسن ابراهیم (۱۴۱۵ق): «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور»، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بل ریچارد، وات مونتگمری (۱۳۸۲ش): «درآمدی بر تاریخ قرآن»، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، قم: مرکز ترجمه قرآن مجید به زبان های خارجی.
- بلاشر، رژی (۱۳۶۵ش): «درآمدی بر تاریخ قرآن»، ترجمه محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق): «أنوار التنزیل و أسرار التأویل»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶ش): «مبسوط در ترمینولوژی حقوق»، تهران: گنج دانش.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰ش): «تسنیم»، قم: مرکز نشر اسراء.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳ش): «تفسیر اثنا عشری»، تهران: میقات.
- حسینی همدانی، محمدحسن (۱۴۰۴): «انوار درخشان»، تهران: کتاب فروشی لطفی.
- خرمشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۴ش): «ذهن و زبان حافظ»، تهران: مهارت.
- زمانی، محمدحسن و علی قانع اردکانی، دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان، مقاله «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن»، بهار و تابستان ۱۳۹۱ش، سال هفتم، شماره ۱۲.
- زمخشری، محمودبن عمر (۱۳۸۹ش): «تفسیر کشاف»، ترجمه مسعود انصاری، تهران: ققنوس.
- سلماسی زاده، جواد (۱۳۶۹ش): «تاریخ ترجمه قرآن در جهان»، تهران: امیر کبیر.
- سمرقندی، نصر بن محمد (بی تا): «بحر العلوم»، بی جا: بی نا.
- سید بن قطب، ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دار المشرق.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۳۶۳ش): «الاتقان فی علوم القرآن»، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، تهران: امیر کبیر.
- شبر، عبدالله (۱۴۰۷ق): «الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین»، کویت: مکتبه الألفین.
- صادقی طهرانی، محمد (۱۴۳۴ق): «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه»، بیروت.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق): «المیزان»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- _____ (۱۳۷۹ش): «_____»، ترجمه علی کرمی، تهران: انتشارات فراهانی.
- _____ (۱۳۷۷ش): «جوامع الجامع»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش): «مجمع البحرین»، تهران: کتاب فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸ش): «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات اسلام.

- علی الصغیر، محمدحسین (۱۴۲۰): «المستشرقون و الدراسات القرآنیة»، بیروت: دار المورخ العربی.
- _____ (۱۳۷۲ش): «خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی»، ترجمه محمدجواد شریعت، تهران: مطلع الفجر.
- علیمحمدی، کریم و سمیه میرزایی، دوفصلنامه قرآن در آینه پژوهش (تفسیر پژوهی)، مقاله «ارتباط ذیل آیات با محتوای جملات در آیات سوره آل عمران»، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش.
- فخررازی، محمدبن عمر (۱۴۱۱ق): «التفسیر الکبیر»، بیروت: دار الکتب العلمیه،
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق): «تفسیر الصافی»، تهران: انتشارات صدر.
- _____ (۱۴۱۸ق): «الأصفی فی تفسیر القرآن»، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۵ق): «ترجمه القرآن الکریم»، تهران: دار القرآن الکریم.
- قانع، علی، مجله معرفت، مقاله «تناسب آیات»، سال شانزدهم، شماره ۱۲۲، بهمن ۱۳۸۶ش.
- قرآنی، محسن (۱۳۷۵ش): «تفسیر نور»، قم: مؤسسه در راه حق.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۷ش): «تفسیر احسن الحدیث»، تهران: بنیاد بعثت.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳ق): «زبدۀ التفاسیر»، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- _____ (۱۳۳۶ش): «منهج الصادقین فی الزام المخالفین»، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی
- گلدزیهر، ایگناس (۱۳۸۳ش): «گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان»، ترجمه ناصر طباطبایی، تهران: ققنوس.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ق): «بیان السعادة فی مقامات العبادة»، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- گوستاولوبون، شارل (۱۳۴۷ش): «تاریخ تمدن اسلام و عرب»، تهران: علمیه اسلامیة.
- مدرسی، سید محمدتقی (۱۳۷۷ش): «تفسیر هدایت»، ترجمه مترجمان، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ق): «من هدی القرآن»، تهران، دار محبب الحسین.
- مسلم، مصطفی (۱۳۹۰ش): «پژوهشی در تفسیر موضوعی»، ترجمه هادی بزدی ثانی، مشهد: آستان قدس رضوی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۳ش): «تناسب آیات»، ترجمه عزت‌الله مولائی ضیا همدانی، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نجفی خمینی، محمدجواد (۱۳۹۸ق): «تفسیر آسان»، تهران: انتشارات اسلامیة.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۴ش): «تفسیر راهنما»، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

Bibliography

- Arbury, Arton Jan (2004): "The Service and Betrayal of Quran Translators", a critique of the performance of European translators, translated by Mohammad Rasoul Khonai, Misplaced: Islamic Thought.
- Alussi, Mahmoud Bin Abdullah (1415 A.D.): «The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an», Beirut: Dar al-Ktob Al-Alamyeh.
- Abu Hayyan Andalusi, Muhammad b. Yusuf (1413/1413): "Tafsir al-Bahr al-Muhayyat", with the research of Adel Ahmad Abd al-Maqtoo... Beirut: Dar al-Kitab al-Alamieh.
- Ayazi, Mohammad Ali (2001): "The Continuous Face of the Qur'an", Tehran: Hastinama Publications.
- Ibn Ashour, Muhammad Tahir (Bita): "Tafsir al-Tahrir and al-Tanvir", Beirut: Al-Tarikh Institute.
- Ibn Fares, Ahmed (1429 A.D.): «Dictionary of The Dictionary of Language Dictionaries», Berot: House of Revival of Arab Heritage.
- Ibn Mansad, Muhammad b. Mukarram (1414/1414): "Lesan al-Arab", Beirut: Dar Issued.
- Beghaei, Burhan al-Din Abi al-Hasan Ibrahim (1415/1415): "Nazm al-Darr fi Fit al-Ayyat and Al-Sur", Beirut: Dar al-Kitab al-'Almiyya.
- Bell Richard, Watt Montgomery (2003): "An Income on the History of the Qur'an", Translated by Baha'uddin Khorramshahi, Qom: Translation Center for the Holy Quran into Foreign Languages.
- Blasher, Reggie (1986 OR 1986): "An Income on the History of the Qur'an", translated by Mahmoud Ramyar, Tehran: Islamic Culture Publishing Office.
- Oval, Abdullah bin Omar (1418 A.D.): «The Lights of Downloading and the Secrets of Interpretation», Beirut: The House of revival of Arab heritage.
- Jafari Langroudi, Mohammad Ja'far (2007): "Expanded in Terminology of Law", Tehran: Ganj Danesh.
- Javadi Amoli, Abdollah (2011): "Tasnim", Qom: Israa Publishing Center.
- Hosseini Shah Abdolazimi, Hussein b. Ahmad (1984): "Tafsir Esna Ashari", Tehran: Miqat.
- Hosseini Hamedani, Mohammad Hassan (1404): Anwar Derakhshan, Tehran: Lotfi Bookstore.
- Khorramshahi, Baha'uddin (1995): Hafez's Mind and Language, Tehran: Skill.
- Zamani, Mohammad Hassan Vaali Ghanei Ardakani, Two Quarterly Quran Pejhi Orientalists, Article "Critique of Oriental Doubts about the Proportion of Quranic Verses", Spring and Summer 2012, 7th Year, No. 12.
- Zamakhshari, Mahmudbon Omar (2010): "Tafsir Kashaf", translated by Masoud Ansari, Tehran: Phoenix.
- Salmasizadeh, Javad (1990): "The History of Translating the Qur'an in the World", Tehran: Amir Kabir.
- Samarkandi, Nasrbon Mohammad (Bita): "Bahr al-Ulum", Bija: Bina.



سال پنجم
شماره اول
پیاپی: ۸
بهار و تابستان
۱۴۰۰

- Sayyid b. Qutb, Ibrahim Shazali (1412/1412): "Fi Zilal al-Qur'an", Beirut: Dar al-Mashareq.
- Sivati, Jalal al-Din Abd al-Rahman (1984): "Al-Atiqan fi Alam al-Qur'an", translated by Seyed Mehdi Haeri Ghazvini, Tehran: Amir Kabir.
- Shubar, Abdullah (1407 A.D.): «Precious Jewels in the Interpretation of the Book Shown», Kweit: His 2,000 Books.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1434/1915): "Al-Furqan fi Tafsir al-Qur'an Ba al-Qur'an and al-Sunna", Beirut.
- Tabatabai, Mohammad Hossein (1417/1417): "Al-Mizan", Qom: Islamic Publication Office of the Society of Seminary Teachers of Qom.
- Tabarsi, Fazl b. Hasan (1993): "Majmed al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Nasir Khusraw Publications.
- (2000): "", translated by Ali Karami, Tehran: Farahani Publications.
- (1998): "Jamaat al-Jama'a", Tehran: University of Tehran Press and Qom Seminary Management.
- Tarihi, Fakh al-Din (1996): Majeh al-Bahrain, Tehran: Mortazavi Bookstore.
- Tusi, Muhammad b. Hasan (Bita): "Al-Tebbian fi Tafsir al-Qur'an", Beirut: Dar Ahya al-Tarath al-Arabi.
- Tayeb, Abdolhossein (1999 OR 1999): "Atib al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Islam Publications.
- Ali al-Saghir, Muhammad Husayn (1420): "Al-Mustasherqun and al-Darasat al-Qur'aniyah", Beirut: Dar al-Maurkh al-Arabi.
- (1993): "Orientalists and Qur'anic Researches", translated by Mohammad Javad Shar'iat, Tehran: Motagh al-Fajr.
- Alimohammadi, Karim and Somayeh Mirzaei, Two Quarterly Journals of the Qur'an in the Mirror of Research (Exegesis research), article "The relationship between the following verses and the content of sentences in the verses of Sura al-Imran", the first year, the second issue, the fall and winter of 2014.
- Fakhrazi, Muhammad b. Omar (1411/1411): "Al-Tafsir al-Kabir", Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiyeh,
- Faiz Kashani, Mulla Mohsen (1415/1415): "Tafsin al-Safi", Tehran: Sadr Publications.
- (1418/1418): "Al-Asafi fi Tafsir al-Qur'an", Qom: Publication Center of the Office of Islamic Propaganda.
- Fouladvand, Mohammad Mehdi (1415/1415): "Translation of al-Qur'an al-Karim", Tehran: Dar al-Qur'an al-Karim.
- Ghanei, Ali, Marefat Magazine, Article "The Proportionality of Verses", 16th year, No. 122, February 2008.
- Gharaati, Mohsen (1996): "Tafser-e Noor", Qom: Institute in the Right Way.
- Qureshi, Ali Akbar (1998 or 1998): "Tafser Ahsan al-Hadith," Tehran: Be'sat Foundation.
- Kashani, Mulla Fathollah (1423/1423): "Zabadat al-Tafsir", Qom: Foundation for Islamic Education.

- (1336sh): "The approach of the honest in committing violators",Thran: Ektabfrushi Mohammed Hassan Alami
- Goldziher, Ignas (2004):"Interpretive Tendencies among Muslims",translated by Nasser Tabatabaei, Tehran: Phoenix.
- Ghabadi, Sultan Muhammad (1408 A.D.): «Statement of Happiness in Places ofWorship»,Beirut: The Scientific Foundation of Publications.
- Gustavolobon, Charles (1968):"The History of Islamic-Arab Civilization",Tehran: Islamic Seminary.
- Modarresi, Seyed Mohammad Taghi (1998 or 1998):"Tafsir Hedayat",Translated translators, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Modarresi, Mohammad Taghi (1419/1419):"I Hoda al-Qur'an",Tehran, Dar Mohebbi al-Hussein.
- Moslem, Mustafa (2011):"A Research on Thematic Interpretation", translatedby Hadi Bozadi Sani, Mashhad: Astan Quds Razavi.
- Mostafavi, Hassan (1981):"Al-Taqiq Fi Kafayt al-Qur'an al-Karim",Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Marefat, Mohammad Hadi (1994):"The Proportionality of Verses", translated by Ez-zatollah Molaee Zia Hamedani, Qom: Foundation for Islamic Education.
- Makarem Shirazi, Nasser et al. (1995):"Exemplary Interpretation",Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiyah.
- Najafi Khomeini, Mohammad Javad (2019/ 2019):"Asan Interpretation",Tehran: Islamic Publications.
- Hashemi Rafsanjani, Akbar (1995):"Commentary guide",Qom: Publication Center of The Office of Islamic Propaganda.